

اصغر کفشچیان مقدم \*

محبوبه پهلوان \*\*

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۱۴

## بررسی جایگاه رنگ در فضای شهری

### چکیده

از میان عناصر بصری، رنگ، در زندگی معاصر شهری جایگاهی ویژه دارد. با این همه، قابلیت‌های تعاملی آن چنانکه بایسته بوده، مورد توجه قرار نگرفته است. اجزای مؤثر در سیمای شهر اعم از نما، فضای سبز، ویتترین‌ها، تابلوها، مبلمان شهری، دیوارنگاره‌ها و مانند آنها همواره با پوششی از رنگ نمایانده شده است. امروزه با رشد فناوری و تنوع مصالح، ضرورت کاربرد متناسب رنگ با توجه به هویت فرهنگی شهرها بیش از پیش احساس می‌گردد. افزون بر این، بررسی جلوه‌های بصری رنگ و کاربرد بجای آن در نمای شهری، می‌تواند از نابسامانی‌های بصری در شهرها پیش‌گیری کند. تأثیر رنگ بر کیفیت فضای شهری از دو منظر بصری و بیانی قابل بررسی است. هدف این مقاله، بهبود کیفیت فضای شهری با تأکید بر نقش رنگ است. این پژوهش کیفیت تعاملی رنگ در فضای شهری را از جنبه‌های کاربردی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، هویتی، زیباشناختی و نمادین بررسی کرده است و به نقش آن به عنوان عاملی مؤثر در سیمای شهر پرداخته است. پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی صورت گرفته و داده‌ها بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌های میدانی از فضای شهری جمع‌آوری گردیده است.

### کلیدواژه:

رنگ  
شهر  
سیما  
هویت  
نما

## مقدمه

در محیط های شهری رنگ را همه جا می توان دید. نمای ساختمان ها، مبلمان شهری، پیاده رو، فضای سبز، خودروها، پوشش افراد، تبلیغات محیطی و المان های شهری در تعیین چهره رنگی شهر نقش مهمی دارند. رنگ ها در شهر، علاوه بر تأثیرات زیبایی شناختی دارای معانی و مفاهیم نمادین، عاطفی و روانی نیز می باشند. محله ها، خیابان ها و میدان ها اغلب به واسطه حجم، بافت و رنگ های متفاوتی که دارند بر مخاطب تأثیر می گذارند و در خاطره آن ها ماندگار می شوند؛ از این جهت رنگ ابزار مهمی در جهت هدایت و القای حالات روانی خاص به افراد و جوامع است. رنگ، زمینه های متنوعی از فضا در ساعت های مختلف روز پدید می آورد؛ سایه روشن های جدیدی می سازد؛ فضا را متنوع و سرزنده می کند؛ به فضا هویت و وحدت می بخشد یا آن را متمایز و قابل شناسایی می کند.

اما امروزه رنگ ها در شهر، اغلب بدون هماهنگی با هویت، فرهنگ، تراکم های جمعیتی و ساختمانی، اقلیم و جغرافیای شهر و بدون توجه به جایگاه کاربردی آن در زیبایی شناسی شهر انتخاب می شوند و بیشتر تابع رنگ مصالح مدرن معماری اند. بی شک به لحاظ تعاملات محیطی و ضرورت یکپارچگی فضاهای شهری، نمی توان از نقش رنگ در فضای شهر چشم پوشید و انتخاب آن را به عهده مخاطب و رنگ مصالح سپرد. شاید این مهم زمانی که شهرها اکثراً با مصالح بوم آورد ساخته می شد و ساکنان آن کمتر در پی خودنمایی بودند چندان ضروری نمی نمود، اما امروزه با روند جهانی شدن و حجم بالای صادرات و واردات، توجه به فرهنگ های مهاجرین و ضرورت توجه به هویت فرهنگی، وقت آن رسیده که با بررسی پیشینه و تاریخچه شهرها، برای این نابسامانی های بصری، برنامه ریزی شود.

هدف پژوهش حاضر بررسی سیمای رنگی شهر در عناصر کالبدی آن است. این عناصر امروزه شامل نماها، فضای سبز، هنر شهری (دیوارنگاره ها و نشانه ها)، تابلوها، پیاده روها، مبلمان و نورها است. همچنین نقش عوامل اقلیمی و تراکم های جمعیتی- ساختمانی و فرهنگی در سیمای رنگی شهرها و جایگاه رنگ در شهر از منظر کاربردی، جامعه شناختی، روان شناختی، هویتی، زیبایی شناختی و نمادین مطالعه و بررسی شده است.

بنا بر بررسی های انجام شده، چنانچه ضرورت استفاده از رنگ ها با توجه به اقلیم، هویت تاریخی و فرهنگ شهر بررسی و اجرا شود، شکل بصری شهرها از منظر رنگی، دارای هویتی خاص شده و سیمای شهرها از بوم رنگی بی هویت و مغشوش به منظری مطلوب و خوشایند تبدیل می شود. برای دستیابی به این منظور، باید قابلیت استفاده بهینه از رنگ در محیط شهری توسط حوزه های تجسمی و شهری با بررسی فرهنگی، جامعه شناختی و روان شناختی رنگ ها، به وجود آید و قابلیت های بصری سیمای شهر از منظر رنگی مورد توجه قرار گیرد.

## روش تحقیق

داده های پژوهش حاضر، با گردآوری منابع و تحلیل و توصیف آنها در حوزه رنگ شناسی بدست آمده است. جهت نیل به مصادیق قابل استناد از نمونه های موجود در شهر تهران استفاده شده است. همچنین به بررسی عناصری از شهر پرداخته شده که دارای بیشترین تأثیر رنگی در فضا و سیمای شهر هستند و با تغییر و بازبینی در آنها می توان سیمای رنگی شهر را بهبود بخشید.

## سیمای رنگی شهرها

یکی از مواردی که امروزه شکل شهرها را از یکدیگر متمایز می‌کند، سیمای رنگی آن شهر است. از دیدگاه "لینچ" عوامل مهم در سیمای شهر عبارتند از: سیمای ساختمان‌ها، نوع فعالیت و نوع مردم، صدا و بوم، فرم و زیبایی. (لینچ، ۱۳۷۲: ۲۰) از جمله عوامل دیگری که می‌توان در سیمای شهر برشمرد: معنی اجتماعی یک قسمت از شهر، نقش و وظیفه آن، سابقه تاریخی اش و نام شهر است. (همان: ۹۰) چنانکه توسلی در کتاب فضاهای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری توضیح می‌دهد؛ فضای شهری عموماً همراه با تاریخ یک ملت در ادوار مختلف به وجود می‌آید. شهرها تحت تأثیر عوامل اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، شکل فضایی خاصی پیدا می‌کنند (توسلی، ۱۳۸۶: ۷) از آنجا که عوامل اقلیمی، تاریخی و فرهنگ هر منطقه با دیگر مناطق متفاوت است، شکل و رنگ هر شهر نیز متفاوت با دیگری است؛ بنابراین منظر و سیمای متفاوتی در خاطر مخاطبان شهر تداعی می‌کند.

امروزه سیمای شهرها در عناصری چون خیابان‌ها، محلات مسکونی، ساختمان‌ها، نماها، مغازه‌ها و ویترین‌ها، پیاده‌راه‌ها و سنگ فرش آنها، فضای سبز، مبلمان، المان‌ها و تبلیغات شهری مشاهده می‌شود. از این میان بیشترین تأثیر را در رنگ نماها، فضای سبز و الحاقاتی که به نماها اضافه می‌شوند، می‌توان مشاهده نمود؛ زیرا نما خارجی‌ترین لایه شهری ساختمان‌ها و محلات مسکونی است. در نتیجه بیشترین تأثیر رنگی در سیمای شهر، شامل نماها و فضای سبز است و با تغییر هر یک از این عناصر می‌توان فضای رنگی شهر را تغییر داد. از نظر لوکور بوزیه نیز «عناصر شهری پس از گذشت و سیر تاریخی (از نظر رنگ و فرم) باید مورد بازبینی قرار گیرند و رنگ آن دسته که دیگر کاربردی ندارند و به شکل شهر لطمه می‌زند بازسازی شود. این بازبینی در شهر در سطح وسیع آن در شکل معماری تأثیر می‌گذارد و در بررسی جزئیات آن می‌تواند به تغییر و بازبینی در رنگ شهر نیز بیانجامد» (بوزیه، ۱۳۸۸: ۹۲).

## رنگ در نماهای شهری

نماهای شهری در کلیت شهر قرار می‌گیرند و رنگ آنها نه به صورت واحد به واحد، بلکه در یک کلیت دیده می‌شود. سیف الدینی نما را «دیوار خارجی ساختمان که در معرض دید عمومی قرار دارد» می‌داند (سیف الدینی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

بدین ترتیب، نما به عنوان اصلی‌ترین «بدنه‌های شهری عناصر محدودکننده فضا هستند و می‌توانند صلب یا نرم، شفاف یا کدر، یکنواخت یا متنوع باشند. در بسیاری از فضاهای شهری عناصر عمودی تعریف‌کننده فضا شامل درختان، ردیف نرده‌ها، ردیف ستون‌ها نیز می‌باشد» (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۳). لذا در یک نگاه تحلیلی و با توجه به موارد ذکر شده در سیمای شهر می‌توان گفت: عوامل گوناگونی در رنگ نماهای شهری نقش دارند که از جمله فرهنگ ساکنان، موقعیت اقتصادی مالک، مواد و مصالح استفاده شده در نما و همچنین مصالح موجود، مصالح بوم‌آورد و مصالح وارداتی را می‌توان نام برد (صباغ الوانی، ۱۳۹۰: ۵۸).



تصویر ۱. نماهای شهری مدرن، استفاده از مصالح جدید با رنگ‌های خنثی، کدر و در برخی نماها فلزات رنگین شکل و رنگ متفاوتی در نمای ساختمان‌های جدید بوجود آورده است. تهران، خیابان انقلاب، ۱۳۹۱، جبهه جنوبی خیابان، حد فاصل خیابان ۱۲ فروردین و قدس، مواد: فلزات رنگین و سیمان، رنگ فلزات (استیل، خاکستری و زرشکی)، ماخذ: نگارنده.

### رنگ در فضای سبز شهری

فضای سبز به لحاظ ویژگی طبیعی که دارا می‌باشد؛ دارای فرم، حالت، رنگ، تناسبات و ابعاد متغیری در شهر است. این پدیده زیست‌محیطی در فضای شهری رشد می‌کند و همواره تغییرپذیر است. به همین دلیل در زمان‌های متفاوت تأثیرات متنوعی در فضای رنگی شهر دارد. فضای سبز شهری به دلیل عوامل زیست‌محیطی و اکولوژیک، از عناصر رنگی متغیر در نمای شهر است که علاوه بر عوامل جغرافیایی حاکم بر محیط می‌تواند به شهر چهره‌ای متفاوت بخشد. نمونه کامل این تأثیر رنگی را می‌توان در مقایسه شهرهای کویری با شهرهای ساحلی که دارای آب و هوای معتدل هستند به وضوح مشاهده نمود. بدین ترتیب، امروزه روش‌های متعددی در ترکیب ساختمان با فضای سبز ایجاد شده و شهروندان با توجه به محدودیت‌های محیط آن را به جزئی از نمای سبز شهری تبدیل کرده‌اند. اصطلاح دیوار سبز<sup>۱</sup> و نمای سبز<sup>۲</sup> ناشی از این نوع تفکر است و ورود فضای سبز به نمای ساختمان‌ها و تغییرات آن‌ها در طول فصول جزئی از رنگ شهری شده است.



تصویر ۲. فضای سبز، استفاده از ردیف درختان به پوشیده شدن نماها کمک کرده و با تغییر رنگ و شکل آن در فصول مختلف فضای مطلوب تری به لحاظ روانی برای مخاطبان بوجود می‌آورد. هر چند عدم هرس درختان و شکل آنها باعث اغتشاش و بهم ریختگی فضای سبز شده است و بهتر است با هرس متناسب با فضای خیابان شکل آن ساماندهی شود، تهران، خیابان انقلاب، ۱۳۹۱، جبهه شمالی خیابان، حد فاصل خیابان قدس و وصال، ماخذ: نگارنده.

### رنگ در آثار هنر شهری

در تمام ادوار «هنرهای شهری» با حضور خود در فضاهای عمومی شهرها، نقش ارزنده‌ای در پایداری اجتماعی جوامع، تحکیم نمادهای فرهنگی و تلفیق آنها در فضاهای عمومی و شهری بازی کرده است (مرادی، ۱۳۸۶: ۸۲). این دست از هنرها که بیشتر شامل مجسمه‌ها و تندیس‌ها، نقاشی دیواری، چیدمان‌ها و گرافیک محیطی و در مراحل عمومی تر مبلمان می‌باشد، با حضور خود، فضای شهرها را به فضایی آشنا برای مخاطبان شهری تبدیل می‌کند و در شکل‌گیری محیط شهری مطلوب نقش اساسی دارند. بنابر اهمیت هنرهای عمومی در فضای شهری، نمی‌توان نقش رنگ آن‌ها را در شهر نادیده انگاشت. همان‌طور که هر یک از این هنرها به واسطه حضور در فضای شهری جلب توجه می‌کنند و با محیط و مخاطب در تعامل هستند، با تعیین رنگ آنها می‌توان

با محیط شهری هماهنگ شد و یا به منظور فاصله گرفتن و دیده شدن از محیط با آن (از لحاظ رنگی) در تضاد بود.

### رنگ در نقاشی دیواری و دیوارنگاری‌ها

نقاشی دیواری یکی از هنرهایی است که از دیرباز و میان جوامع ابتدایی نیز کاربرد داشته است. نقاشی دیواری جزء هنرهایی است که هنر شهری و هنری عمومی نامیده می‌شود و متأثر از مکان و فضاست و این فضای محیط بر دیوار است که چگونگی ارتباط آن را با دیگر عوامل درونی خود نقاشی مشخص می‌کند. امروزه مواد و مصالح در نقاشی دیواری با توجه به تنوع مواد و مصالح در معماری و نماسازی به طرز گسترده‌ای پیشرفت کرده است.<sup>۳</sup> این پیشرفت در تنوع مواد و مصالح، توجه به ویژگی‌های اقلیمی و قابلیت‌های بصری محیط، شکل‌های متنوعی به نقاشی دیواری در محیط شهری بخشیده است. امروزه استفاده از مایعات، گازها، روینده‌ها، تکنیک‌های دیجیتال، مواد و مصالح انعکاسی و تکنولوژی نور در نقاشی دیواری باعث شده تا شکل آن دیگر محدود به عناصر قدیمی نباشد و محیط بصری با قابلیت‌های بصری متفاوتی در تعامل با مخاطب شهری قرار بگیرد. <sup>۴</sup> گرچه هر اثر هنری در سطح شهر وجه رنگین خاص خود را دارد و تأثیرات ویژه خود را بر رنگ‌آمیزی شهری خواهد گذاشت؛ اما از آنجا که نقاشی دیواری مبتنی بر مطالعه رنگی اثر و محیط اثر می‌باشد، به نظر می‌رسد از مهم‌ترین هنرهای شهری است که می‌تواند بر رنگ شهر تأثیر گذارد.<sup>۵</sup>

### رنگ در نشانه‌های شهری

نشانه‌های شهری، «عناصری در فضای فیزیکی هستند که به واسطه داشتن ویژگی‌های کلیدی در محیط قابل تشخیص و حائز اهمیت هستند» (پور جعفر، ۱۳۸۹: ۱۷۰) آنها نقش عوارض برجسته انسانی در شهر و عوارضی با ویژگی‌های فضایی متمایز مانند رنگ، شکل و ارزش معنایی را که دارای پتانسیل کمک به مردم برای یافتن جهت و پیدا کردن مسیر خودشان در محیط هستند، دارا می‌باشند. از آنها جهت القای حس مکان و هدایت‌گری یاد می‌شود (همان). این نشانه‌ها که رنگ، بخش مهمی از آنها را تشکیل می‌دهد، ممکن است مدرن یا سنتی (که گاهی جنبه ملی پیدا می‌کنند)، متمایز یا هماهنگ با رنگ شهر باشند. لینچ محقق حوزه زیباشناسی شهری معتقد است: متمایز بودن از جمله خصوصیات منحصر به فرد نشانه‌های شهری است. این تمایز می‌تواند تمایز در فرم، رنگ، اندازه، موقعیت، قدمت و یا حتی پاکیزگی آن باشد. اگر نشانه‌ها فرمی واضح داشته باشند، با زمینه خود در تضاد باشند و بر اطراف خود غالب باشند، شناخت آن‌ها به آسانی صورت می‌گیرد (لینچ، ۱۳۷۲: ۱۴۴). بنابراین نشانه‌ها در شهر جزء عناصر شاخص شهری هستند؛ این عناصر شاخص می‌توانند یک کلیسا، مسجد، مناره، ساختمانی با شکل خاص، دیوارنگاری، مجسمه، چیدمانی خاص باشد. نشانه‌ها در شهر قابل تشخیص هستند و دیدن و یافتن آنها برای مخاطبان شهری امری قابل حصول است و ویژگی اصلی آنها، که منحصر بودن آنهاست، باعث منحصر بودن شان می‌شود.



تصویر ۳. حجم تابلوها و تبلیغات شهری، از دحام جمعیت و حتی وسایط نقلیه فضایی مغشوش و آزاردهنده از نظر بصری و روانی بوجود آورده است. تهران، خیابان انقلاب، حد فاصل منبری جلود و ۱۲ فروردین، ۱۳۹۱، ماخذ: نگارنده.

### رنگ در تابلوها، علائم و تبلیغات شهری

تابلوها و استندهای تبلیغاتی سطح شهر یکی دیگر از موارد مهم بصری شهر هستند. چیدمان و رنگ این تابلوها در ساماندهی شکل شهر تأثیر بسزایی دارد و می‌تواند چهره شهر را



مغشوش و یا هماهنگ و زیبا نماید و مخاطبان را سردرگم و یا هدایت کند. رنگ و فرم در تابلوها در ابتدای شکل گیری، تابع فرم و محدوده مشخص شده برای آنها و با توجه به طراحی معماری اماکن تجاری بود. تبلیغات سر در اماکن تجاری با یک و یا دو رنگ، هماهنگ با نمای ساختمان انتخاب می شدند و در بیشتر موارد فقط به درج نام تجاری فروشنده به صورتی کاملاً ساده اکتفا می کردند؛ اما کثرت شغل های جدید و نیاز آنها به معرفی، تبلیغات جدید را به وجود آورد؛ تبلیغات جدید به شکل تابلوهای اصناف در نمای ساختمان ظاهر و جزئی از عناصر شکل دهنده به بدنه و اجزاء مستقر در فضای شهری شدند. نماهای شهری هم که یکی از مهم ترین اجزاء مستقر در فضای شهری است، هر روز رنگین تر شدند. تابلوها، جزئی از زیبایی شناسی نمای شهری محسوب شدند و از آنجا که تابلوها جزء عناصر متغیر نماهای شهری هستند، بر حسب موقعیت مکانی و زمانی و ویژگی های کالبدی، معنایی متفاوتی را پذیرفته اند؛ چنانکه این تابلوهای رنگارنگ امروزه جزئی از نمای ساختمان ها محسوب می شوند.

### رنگ در پیاده روها

نوع فعالیت افراد در محل، عموماً؛ کیفیت، رنگ، فرم و بافت، پیاده راه ها را می سازد. زیبا سازی و طراحی پیاده راه ها که جزئی از راه های شهری است، تأثیر زیادی در انتخاب مسیر توسط مخاطبان شهری دارد. تغییراتی از این دست در سطح شهرها بر این امر صحنه می گذارد و بر ضرورت ساماندهی در طرح و رنگ این مؤلفه از فضا تأکید می ورزد. هماهنگی در رنگ پیاده روها مانند نماهای شهری بسته به رنگ مصالح مورد استفاده است؛ هر چند امروزه با پیشرفت تکنولوژی و استفاده از مصالح جدیدی چون بتن های رنگی شاهد تنوع در این عنصر شهری هستیم. تغییرات رنگی این فضا بسته به نوع کاربرد فضا، اعم از سواره رو و پیاده رو، کاربری متفاوت چون پارک یا پیاده راه خیابان، می تواند متفاوت باشد. رنگ پیاده راه در هر کدام از این فضاها و بسته به نوع برخورد شهروندان می تواند متفاوت انتخاب شود. هماهنگی این فضای رنگی با رنگ دیگر عناصر شهری از جمله نما، فضای سبز و مبلمان شهری در جهت ارتقاء کیفیت رنگ فضای شهری مطلوب، از جمله ضروریات شهرسازی مدرن است. علاوه بر این، انتخاب رنگ پیاده راه در مسیرهای موازی و جهت هدایت مخاطبان، می تواند به آنها در انتخاب مسیر کمک کند. این انتخاب های رنگی بسته به نوع فضا، حجم تردد عابران، کاربری فضا و وسعت فضای پیاده متغیر است. با استفاده از تجربیات هنرهای تجسمی در طراحی رنگی مکان ها و بکارگیری عناصری چون ریتم، هماهنگی، تضاد، حرکت، تناسب، تعادل و توازن می توان فضای ساده پیاده راه را تبدیل به فضایی فعال در شهر نمود؛ چنانکه نه تنها عنصری مطلوب در فضای شهری باشد، بلکه جزئی هماهنگ با کل بوده و با توجه به فضای کلی شهر، مفهوم جدیدی پیدا نماید.

### رنگ در مبلمان شهری

یکپارچگی و پیوستگی فرم و رنگ مبلمان شهری با طراحی فرم آن، به تناسب فضای شهری و فضای کاربردی آن آغاز می شود و با رنگ آمیزی و نصب در محل، تعامل آن با مخاطب شروع



تصویر ۴. امتداد فضای پیاده رو به واسطه استفاده از رنگ آمیزی ممتد و موازی متناسب با فضای خیابان. همچنین به علت دریافت نور کافی در طول روز رنگ ها درخشان تر و گرم تر به نظر میرسند. تهران، خیابان انقلاب، ۱۳۹۱، مسیر پیاده راه دانشگاه تهران، ماخذ: نگارنده.



تصویر ۵. هماهنگی در رنگ و فرم مبلمان و نماهای شهری، استفاده از رنگ‌های متناسب با شرایط اقلیمی منطقه، رنگ‌های خنثی در مبلمان شهری و رنگ‌های زنده و روشن در نماهای شهری، سن پترزبورگ، روسیه، ۱۳۹۰، ماخذ: نگارنده.



تصویر ۶. تاثیر نور زمستان در فضای رنگی خیابان (مقایسه با تصویر ۴) رنگ‌ها در فصل زمستان به علت عدم دریافت نور کافی خاموش‌تر و سردتر از رنگ‌ها در نور تابستان به نظر می‌رسند، تهران، خیابان انقلاب، ۱۳۹۱، مسیر پیاده راه دانشگاه تهران، ماخذ: نگارنده.

خواهد شد. چنانچه در رنگ آمیزی و طراحی مبلمان شهری نیازهای محل در نظر گرفته نشود و مبلمان با کف، جداره‌ها و سایر عناصر شهری ارتباط برقرار نکند، محیط یکپارچگی و پیوستگی خود را از دست می‌دهد. علاوه بر این، سه عنصر رنگ، نور و شکل اولین عناصری هستند که از هر جسم و محیطی در نگاه اول احساس می‌شوند. حتی رنگ پیش از بافت، فرم و مواد مصرفی دریافت می‌شود و به همین دلیل اثر روانی آن بر مخاطب بیشتر است؛ لذا هماهنگی این سه عنصر با یکدیگر و با محیط از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بالاخص در محیط شهری تفاوت رنگ‌ها می‌تواند گویای تفاوت عملکرد و بیانگر تنوع و هماهنگی باشد. رنگ مبلمان در فضای شهری نیز جزئی از کل است؛ کلی که خود رو به سوی وحدت و یگانگی دارد.<sup>۶</sup>

## نورهای رنگی شهر

یکی دیگر از عوامل رنگی در شهر نور است، «نور کیفیتی است برای ایجاد فرم و فضا، کیفیت و کمیت و نیز رنگ نور بر مشاهده و درک حجم و جرم موثر است». (سیدصدر، ۱۳۸۴: ۱۱۹) مفاهیمی چون، اندازه، موقعیت، شکل، مواد سطحی، بافت و رنگ همگی مربوط به بحث نور به عنوان یک ایده طراحی هستند. نور طبیعی می‌تواند سازه، هندسه، سلسله مراتب و ارتباطات واحد جزء به کل، را تقویت نماید (همان). آب و هوا و شرایط اقلیمی منطقه و در نتیجه تغییر کمی و کیفی نور در شهر، رنگ‌های گوناگونی را تجلی می‌سازد و با تأثیر این تغییرات، سیمای شهر دگرگون می‌شود. میزان نور تأثیر زیادی در انتخاب رنگ و انتخاب مصالح (با کیفیت تند، ملایم، و درخشان) دارد. نور هر شهر و موقعیت جغرافیایی آن تأثیر زیادی در رنگ شهر دارد. نور جزء عواملی است که علاوه بر تأثیر در رنگ، خود دارای رنگ‌ها و طیف‌های گوناگونی است. بنابراین در رنگ‌آمیزی و انتخاب پالت رنگی برای هر شهر باید به نور فضای شهر دقت و موقعیت جوی فضا بررسی شود. در شهرهای آفتابی و گرم، رنگ روشن بناها و رنگ حاکم بر فضای شهر باید به گونه‌ای انتخاب شود تا آسیب کمتری به مخاطبان ساکن در شهر، وارد سازد.

## عوامل تاثیرگذار (طبیعی و مصنوعی) در رنگ فضای شهری

از جمله عوامل طبیعی و مصنوعی در تغییر رنگ فضای شهری باید به تنوع فرهنگی، تراکم‌های جمعیتی و ساختمانی، تراکم وسایل نقلیه عمومی و شخصی، شرایط جغرافیایی و اقلیمی، وضعیت حرکت خورشید، نور محیط و آلودگی هوا اشاره نمود. علاوه بر این، وجود رنگ در فضای شهری از دو عامل اصلی که محیط و باورها و اعتقادات و آداب و رسوم محل است، نیز تاثیر فراوان می‌گیرد. «وجود مصالح متأثر از شرایط جغرافیایی و اقلیمی، پوشش گیاهی بومی و دیگر محدودیت‌ها و امکانات تعیین کننده از یک طرف و زبان نمادین و استعاره‌ای رنگ از طرف دیگر، استفاده معنی دار و موزون رنگ را در محیط شهری موجب شده است» (بحرینی، ۱۳۷۷: ۲۴۷-۲۵۱).

## تنوع فرهنگی

استیونسون<sup>۷</sup> در کتاب شهرها و فرهنگ‌های شهری، فضای شهری را مانند ویتترین بزرگی از فرهنگ‌ها می‌داند (استیونسون، ۱۳۸۸: ۱۰۳). بدین شکل، عامل چند فرهنگی امروز شهرها به پدیده جهانی شدن منجر شده است و «جهانی شدن یک فرآیند چند وجهی است که در

ضمن آن دنیا بیش از پیش در ارتباط متقابل با هم قرار می‌گیرد» (کارمونا، ۱۳۸۸: ۱۹۸). نمونه بارز جهانی شدن و توسعه ارتباطات را می‌توان در یک شکل شدن فرم و رنگ شهرهای مختلف مشاهده نمود. مهاجرت‌های گسترده به شهرهای بزرگ، و در نتیجه کنار هم قرار گرفتن فرهنگ‌های متفاوت، شکل سنتی شهرها را تغییر داد. رنگ نیز که یکی از اجزای تاثیرگذار در محیط‌های شهری است، تحت تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی شهرها تغییر می‌یابد. لذا معانی رنگ‌ها در خلال تکوین جامعه شکل می‌گیرد و اغلب تحت تاثیر تاریخ و جغرافیا و فرهنگ هر شهر است. مهاجرت از جمله عواملی است که چند فرهنگی را در شهرهای جدید به وجود آورده است و در نتیجه نمای شهرها هر روز بیشتر یک دستی و هویت گذشته خود را از دست می‌دهند. بدین ترتیب وضعیت جدید تحت تاثیر جبرهای اجتماعی و اقتصادی به وجود آمده و به‌ناچار به مسائل پر اهمیتی چون زیباشناسی، هویت و حس مکان، توجه نکرده است.

### تراکم جمعیت، ساختمان‌ها و وسایل نقلیه عمومی و شخصی

امروزه تراکم جمعیت و ساختمان‌ها در شهرهای بزرگ امری اجتناب‌ناپذیر است. محدودیت زمین، آسمان خراش‌ها را به وجود می‌آورد و در محیط‌های متفاوت شکل‌ها و رنگ‌های متفاوتی ایجاد می‌کند. خانه‌ها فشرده تر، خیابان‌ها شلوغ تر و حجم رفت و آمد وسایل نقلیه و عابران هر روز بیشتر می‌شود؛ بنابراین، علاوه بر رنگ عناصر ثابت شهری، رنگ عناصر متحرک نیز در تعیین چهره رنگی شهر تاثیر بسزایی دارد.

مقوله فراوانی خودروها و تاثیرات روانشناختی رنگ آن‌ها در جریان‌های شهری، می‌تواند عواقب اجتماعی گسترده‌تری داشته باشد. خودروها عناصر متحرک شهری هستند و در کنار دیگر عوامل شهری در ایجاد حس روانی مثبت و رضایت نسبی ساکنان از منظر عمومی شهر می‌توانند تاثیرگذار باشند. (نیکقدم و رئیسی، ۱۳۸۹: ۶۸) ترکیب‌های رنگی مختلفی از کنار هم قرار گرفتن خودروها به وجود می‌آید که هر یک حاوی بار معنایی خاصی است و می‌تواند در ترکیب کلی رنگ در فضای شهری موثر واقع شود. این مهم در صورتی است که امروزه طیفی خنثی و سرد در خودروهای شهری مانند تهران دیده می‌شود. به غیر از طیف خنثی، درصد خودروهایی که دارای رنگ‌هایی با تاثیرات مثبت روانی هستند به قدری اندک است که در مجموع طیف به وجود آمده از تنوع رنگی بسیار فقیر به شمار می‌آید. (همان: ۷۶-۷۷)

### وضعیت حرکت خورشید و نور محیط (چرخه زمان) و تاثیر آن بر پالت رنگی شهر

وضعیت حرکت زمین نسبت به خورشید در طول سال، فصل‌ها را به وجود می‌آورد و در طول ۲۴ ساعت، باعث پدید آمدن روز و شب می‌شود. نور خورشید منبع حیات بسیاری از موجودات زنده است و بسته به زاویه تابش آن و فاصله هر نقطه از کره زمین از این عنصر طبیعی حیات، شاهد مناطق مختلف آب و هوایی در سراسر کره زمین هستیم. تاثیر نور خورشید علاوه بر موجودات زنده بر عناصر مصنوع زمین نیز قابل مشاهده است. تفاوت در برخورداری از نور خورشید به تفاوت‌های اقلیمی می‌انجامد و تفاوت‌های اقلیمی تفاوت‌های فرمی و رنگی را موجب می‌شود. بنابراین، با توجه به قابلیت‌های فوق، طراح می‌تواند از این تغییرات در طول فصول سال و در طول یک روز برای تنوع‌بخشی به فضای رنگی شهر و ایجاد علاقه بیشتر به فضای شهری



بهره گیرد. محیط‌هایی که بر اساس این تغییرات منظم طبیعی طراحی شده‌اند و این نظم را منعکس می‌کنند به غنای تجربه و زندگی شهری فزونی می‌بخشند.

## شرایط جغرافیایی و اقلیمی

شرایط جغرافیایی و اقلیمی جزء مؤلفه‌های هویتی هر شهر است که توسط اتمسفر اقلیمی از طریق رنگ، شکل، بافت محیطی و رفتارهای محیطی تجلی می‌یابد. هر شهر، بسته به موقعیت جغرافیایی خود دارای شرایط آب و هوایی و اقلیمی متفاوت از دیگر شهرهاست. برای تعیین موقعیت جغرافیایی یک منطقه، باید پدیده‌های طبیعی و غیر طبیعی محل در نظر گرفته شوند. بنابراین تغییر در موقعیت جغرافیایی منطقه منجر به تغییر رنگ هر یک از عوامل طبیعی و غیر طبیعی منطقه می‌شود.

تعیین زاویه تابش و جهت تابش آفتاب، بسته به موقعیت جغرافیایی هر منطقه، شرایط اقلیمی و فضای رنگی متفاوتی را در طول روز و شب و در طول فصول برای آن منطقه به وجود می‌آورد. شدت تابش آفتاب در یک نقطه با عوامل دیگری نظیر ارتفاع، مقدار ابر و ذرات گرد و غبار معلق در هوا نیز بستگی دارد و با تغییر هر یک از عوامل فوق نور و رنگ شهر تغییر می‌کنند. (رهنمایی، ۱۳۶۹: ۱۳-۲۹) عوامل آب و هوایی، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فضای رنگی شهر است و از عوامل جغرافیایی آن شهر مشتق می‌شود (همان: ۱۱۶) بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که به تناسب شرایط اقلیمی و آب و هوایی هر شهر، مصالحی متناسب با اقلیم همان شهر جهت ناماسازی انتخاب شود. در رنگ آمیزی نماهای شهری نیز باید به شرایط آب و هوایی شهر توجه کرد و از مواد و رنگیزه‌هایی در رنگ‌آمیزی نماها و جداره‌های شهری استفاده شود که قابلیت سازگاری با محیط داشته باشد و دوام آن بسته به طول مدت کاربری تعبیه شود.

## کاربرد رنگ در فضای شهری

سابقه رنگی شهر، یا به عبارتی پالت رنگی آن، به ما کمک می‌کند تا بتوانیم آن را حفظ کنیم و یا برای هر شهر پالت رنگی خاصی تعریف کنیم که عناصر تشکیل دهنده آن، همان واژگان رنگی یا در واقع انواع رنگ‌هایی باشد که در ترکیب با هم چهره رنگی فضای شهر را تعریف می‌کنند. می‌دانیم رنگ اگر در محیطی در اقلیت باشد واکنش تدافعی نشان می‌دهد و نسبتاً زنده‌تر از زمانی به نظر می‌رسد که به گونه‌ای هارمونیک ارائه شده باشد. وسعت فضای اشغال شده توسط رنگ تأثیر زیادی در دیده شدن رنگ دارد و با توجه به فاصله ناظر از محیط رنگی و شدت نوری که وارد محیط می‌شود، متفاوت به نظر خواهد رسید و ممکن است رنگ گرم‌تر و یا سردتر دیده شود. همان طور که گفته شد، شرایط جوی، گرد و غبار و مه تأثیر زیادی در دیده شدن رنگ دارند. مسلماً رنگ در چنین محیطی با محیط‌های روشن و آفتابی متفاوت به نظر خواهد رسید؛ چرا که رنگ‌ها به واسطه زمینه‌ای که در آن قرار می‌گیرند دیده می‌شوند و ممکن است یک رنگ به واسطه قرار گرفتن در دو زمینه مختلف، متفاوت به نظر رسد. هم چنان که این تأثیر را بوضوح می‌توان در رنگ شناسی محیط اطراف در دو وضعیت یا موقعیت جوی مشاهده نمود<sup>۸</sup>. این فرآیند در محیط‌های شهری به واسطه تفاوت در شرایط اقلیمی بروشنی قابل مشاهده است و نمی‌توان آن را انکار کرد.



تصویر ۷. تأثیر تاریخی شهرها در نماهای شهری، استفاده از رنگ‌هایی که هویت شهر را نشان می‌دهند و نشان از فرهنگ جمعیتی شهر هستند، ترکیه، استانبول، ۱۳۹۱، استفاده از سیمان‌های رنگی و رنگ در نماها، ماخذ: نگارنده.

### جامعه‌شناسی رنگ در فضای شهری

در بررسی جایگاه جامعه‌شناختی رنگ در فضاهای شهری باید به نقش عوامل اجتماعی دخیل در تعیین رنگ شهر پرداخت. گاهی این عوامل اجتماعی نحوه پوشش افراد یک جامعه را شامل می‌شود، گاهی به نحوه برخورد آنها با محیط شهری می‌پردازد و گاهی فرهنگ‌های مختلف ناشی از خاستگاه‌های مختلف را دربر می‌گیرد که نتیجه آن را می‌توان در رفتار مخاطبان شهری مشاهده نمود. در مجموع می‌توان گفت جایگاه جامعه‌شناختی رنگ در فضای شهری در رنگ پوشش مخاطبان، هویت رنگی مکان از منظر مخاطبان و خوانایی رنگ محیط شهری از منظر مخاطبان تعریف می‌شود. بختیاری فرد در کتاب رنگ و ارتباطات معتقد است: «تأثیرات اجتماعی هر رنگ را در پوشش افراد یک جامعه می‌توان بررسی کرد» (بختیاری فرد، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

### روان‌شناسی رنگ در فضای شهری

در زمینه روان‌شناسی رنگ‌های گرم و سرد تا کنون آزمایشات زیادی<sup>۹</sup> انجام شده است. در مناظر نیز اشیاء دورتر به خاطر وجود ضخامت هوا همیشه سردتر به نظر می‌رسند. کنتراست سردی و گرمی در محیط شهری می‌تواند برای القای دوری و نزدیکی استفاده شود. استفاده از این کنتراست در محیط شهری تابع عوامل زیادی است که از جمله آن می‌توان به آب و هوای منطقه اشاره کرد. کاربرد رنگ‌های سرد در محیط‌های گرم می‌تواند از گرمای محیط بکاهد و محیط را آرام و ساکن نشان دهد. بنابراین، در محیط‌های شلوغ هم می‌توان از آن بهره برد. همچنین استفاده از رنگ‌های گرم در محیط‌های آب و هوایی که اقلیم سرد دارند، می‌تواند از سرمای محیط بکاهد و محیط‌های کم‌رفت و آمد را پر تراکم و سنگین نشان دهد. اگر در طراحی فضا برای این محیط‌ها از تأثیرات بصری رنگ‌ها که جنبه روان‌شناختی آنها را نیز در بر می‌گیرد استفاده نشود، فضا برای ساکنان آن قابل تحمل نیست. بنابراین، «همراه با پیچیده شدن تمدن مدرن، افرادی که مسئولیت طراحی محیط‌ها را بر عهده دارند، باید درک بهتری از سرشت روانی انسان‌ها داشته باشند، لذا، علاوه بر رنگ، دیگر عوامل نیز باید در این خصوص بررسی شوند. اگر قرار است انسان‌ها در محیط‌های کنترل شده زندگی کنند، باید شرایط فیزیکی مانند نور، گرما و هم چنین شرایط روانی مستقیماً و به طور کامل طراحی شوند» (کارکیا، ۱۳۷۵: ۵۹).

### جایگاه هویتی و فرهنگی رنگ در فضای شهری

هویت به طور کلی به «بازتاب و تبلور صفات و مشخصاتی از آن چیز گفته می‌شود که عمدتاً وجه تمایز آن چیز را با چیزهای دیگر فراهم می‌سازد». (بهزادفر، ۱۳۸۷: ۱۵) امروزه در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که فن‌آوری‌های جدید در صنعت رنگ‌سازی و تولید مصالح ساختمانی با سرعت حیرت‌آوری رو به پیشرفت است. بدین لحاظ وجود برنامه‌ای منسجم که بتواند روند این تحولات را کنترل کند و مانع از بی‌هویتی فضاهای شهری شود ضروری است. این برنامه باید تحولات فکری و فرهنگی را به صورتی پیوسته و حساب شده کنترل کند و برنامه‌ای که توسعه جدید را با بخش‌های قدیمی‌تر و موجود در شهر هماهنگ سازد برای هر شهر و منطقه مهیا سازد.

در این میان، رنگ ابزاری است برای حفظ هویت و حس مکان در هر شهر و فضای شهری. در این راستا، بررسی سابقه رنگی شهر یا به عبارت دقیق‌تر، پالت رنگی آن به ما کمک می‌کند تا بتوانیم آن را حفظ کنیم و یا برای هر شهر پالت رنگی خاص تعریف کنیم که عناصر

تشکیل دهنده آن، همان واژگان رنگی یا در واقع، انواع رنگ‌هایی باشند که در ترکیب با هم چهره رنگی فضاهای شهر را تعریف می‌کنند. (بهزادفر، ۱۳۸۷: ۶۳) «حتی اکنون که شهرهای ما دچار اغتشاش و بی‌هویتی رنگی شده‌اند با نام بردن از شهرهای خاص، طیف‌های رنگی مشخص در ذهن همه ما زنده می‌شود. این همان توقع و انتظاری است که ما از هویت و نقش آن شهر داریم» (همان: ۶۳). بنابراین، رنگ یکی از عناصر مهم هویت شهری است و می‌تواند یکی از موثرترین عناصر برای هویت بخشی و خاطره دهی به شهرهای امروز ما باشد. امروزه میراث فرهنگی شهرها در مهجوریت شدید بصری قرار دارند؛ در حالی که با فضای رنگی می‌توان روح زندگی را به آن‌ها بازگرداند.

بدین ترتیب، پیشینه رنگی شهرها یکی از عوامل هویت‌بخش و متمایز کننده شهرها در طول تاریخ می‌باشد و مثال‌های بارز این هویت‌بخشی رنگی را می‌توان بوضوح در برخی از شهرهای ایران مشاهده نمود.<sup>۱</sup> برای رسیدن به مکان‌هایی با هویت خاص خود، پژوهشگران شکل شهر باید بدانند شهرها چگونه رشد کرده‌اند و به لحاظ فیزیکی تکامل یافته‌اند و چگونه این قضیه با تاریخ اجتماعی و اقتصادی‌شان مرتبط گشته است (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۶۲).

### زیبایی شناسی رنگ در فضای شهری

همانطور که گفته شد، رنگ جزئی اصلی از فضای هر شهر است. جزئی که در برخی شهرها به آن به عنوان عامل مهم در هویت بخشی، زیبا شناختی و آرام‌سازی توجه می‌شود؛ یعنی ایجاد هارمونی، ریتم، کنتراست، تعادل و توازن و دیگر عواملی که وجود آن‌ها کنار یکدیگر منجر به یک ترکیب خوشایند و زیباشناسانه می‌شود، با به کار گیری رنگ میسر می‌شود و ایجاد چنین ترکیب خوشایند و زیباشناسانه به کمک رنگ در فضای شهری، علاوه بر ایجاد محیط مطلوب شهری، به ایجاد حس رضایت در مخاطبان شهری می‌انجامد. علاوه بر آن «به کاربرد رنگ‌های مختلف می‌تواند تأثیری فراتر از آشکار ساختن طرح و چارچوب بنا ایجاد کرده و به یک عنصر تزئینی هم تبدیل شود» (کورت گروت، ۱۳۸۹: ۲۲۴). بدین ترتیب باید گفت زیبایی شناسی رنگ در شهر مجموعه‌ای اجرایی از رعایت اصول زیبایی شناسی رنگ و فضای شهری است. لذا «منظور از زیبایی فرم شهر، فقط تأثیر زیبایی شناسانه کالبد شهر و فضایش نیست؛ بلکه کیفیت روانی رنگ‌ها، کیفیت حرارتی مصالح و ویژگی‌های آکوستیکی خیابان‌ها و میدان‌ها را نیز در بر می‌گیرد. محیطی که بر روان انسان تأثیری مطلوب بگذارد؛ تجربه فضایی را تسهیل کند و در تقویت روابط عاطفی متقابل موثر باشد، زیباست» (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۵۴).

### زیبایی شناسی رنگ و فرم در فضای شهری

رنگ‌ها را با فرم‌های خاصی تعریف می‌کنند. چنان که رنگ آبی را با دایره، قرمز را با مربع و زرد را با مثلث هماهنگ می‌دانند. یعنی هم‌خوانی رنگ با شکل می‌تواند ایجاد هماهنگی کند. به معنای دیگر، جایی که رنگ و شکل از نظر بیانی سازگاری دارند، تأثیر آن‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین استفاده از اثرات فضایی رنگ‌ها با توجه به فرم آن‌ها در محیط به زیبایی شناسی آن کمک زیادی می‌کند؛ لذا رنگ‌ها باید تابع فرم آن‌ها باشند. اگر ساختمان‌ها را احجام هندسی و غیر هندسی بدانیم و بتوانیم آن‌ها را با رنگ‌هایی که هماهنگ با فرم آن‌ها هستند رنگ آمیزی کنیم، تأثیر رنگ در آن‌ها دوچندان می‌شود. از این تجربه در جهت عکس هم می‌توان استفاده

کرد. به عنوان مثال سطح تیز و مثلثی را به جای استفاده از رنگ زرد با رنگی آبی پوشاند تا تأثیر فرم آن را کاهش داد و از تیزی آن کاست، یا سطح مربعی را آبی در نظر گرفت تا سبک تر شود. یورگ کورت گروت<sup>۱۱</sup> با تکیه بر تجربیات خویش در خصوص تأثیر رنگ در شهر و شهروندان معتقد است: «آزمایشات<sup>۱۲</sup> نشان داده‌اند که برای جهت‌یابی و تعیین موقعیت در فضا و نیز تشخیص اجسام، فرم از اهمیت بیشتری نسبت به رنگ برخوردار است؛ اما سبکی که عمدتاً دارای ترکیبات پیچیده ای است، در مقایسه با یک ترکیب ساده، رنگ نسبت به فرم از ارزش بالاتری برخوردار می‌باشد، نتیجه به دست آمده دیگر این است که در یک پیام، اجزای رنگی، بیشتر بخش زیباشناسی را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که جنبه ظاهری، بیشتر مطابق با بخش معناشناسی است. البته این زمانی صدق می‌کند که گوناگونی فرم‌ها و تأثیر احساسی آن‌ها مورد توجه قرار نگیرد. "تاج محل" در آگرا با سنگ مرمر سفید پوشیده شده و رنگ آن به طور مدام تغییر می‌کند: در سحرگاه به رنگ قرمز، در نور ظهر به رنگ سفید، بعد از ظهر در طیف‌های مختلف رنگ زرد، عصر به رنگ آبی روشن و در نور مهتاب، به رنگ خاکستری - سفید در می‌آید» (کورت گروت، ۱۳۸۹: ۲۲۳).

### جایگاه نمادین رنگ در فضای شهری

نمادین بودن یکی دیگر از خصوصیات مهم رنگ است که در شهر و تعاملات رفتاری شهروندان با وجوه هویت‌بخش عناصر شهری برای آن جایگاهی خاص در هر فرهنگ تعریف می‌شود. همان‌طور که فرم، نماد مشخصی برای هر عنصر در فرهنگ‌های مختلف است، رنگ‌ها نیز دارای تعریف‌های متفاوتی نزد فرهنگ‌های مختلف هستند. بدین ترتیب، استفاده نمادین از رنگ در شهرها و نماها و حتی پوشش افراد در یک جامعه، تاریخی به قدمت عمر بشر دارد. در جوامع مختلف رنگ‌ها نشان‌دهنده نمادهای متفاوتی هستند و برای هر طبقه و هر قشر معنا و مفهوم متفاوتی دارند و برای نشان دادن نمادی خاص استفاده می‌شوند. گاهی یک رنگ در یک فرهنگ کاملاً معنای متفاوتی با فرهنگ دیگر دارد. رنگ‌ها هم‌چنین در مذاهب مختلف معناهای متفاوتی دارند. بختیاری فرد معتقد است: «رمزهای قراردادی شده برای درک رنگ‌ها همیشه به صورت آگاهانه نبوده است؛ بلکه بیشتر در بستر فرهنگ و باورهای دینی و تحت تأثیر شرایط اقلیمی جوامع انسانی است» (بختیاری فرد، ۱۳۸۸: ۲۱)؛ بنابراین، «همبستگی رنگ با نمادگرایی، اعتقادات و فرهنگ یک سطح منطقه‌ای از تأثیرات رنگ را به وجود می‌آورد که نقش اساسی و تعیین کننده‌ای دارد. علاقه‌مندی به استفاده از رنگ یا رنگ‌های خاص در میان یک ملت به طور معمول نتیجه وجود پدیده‌هایی به همان رنگ در میان آن‌هاست؛ برای مثال رنگ فیروزه‌ای در تمام دنیا به نام آبی ایرانی شناخته می‌شود» (بختیاری فرد، ۱۳۸۸: ۱۰۳-۱۰۴). رنگ فیروزه‌ای در شهرهای سنتی نشان از تقدس و پاکی دارد و در معماری و شهرسازی ما به آسمان تشبیه شده است و از آن در گنبدها و بناهای مذهبی مان به‌وفور استفاده کرده‌ایم. به طوری که «رنگ‌ها برای افراد، ناخودآگاه حکم نشانه را دارند و استفاده از رنگ‌های مشخص به صورت نوعی استاندارد درآمده است» (محمودی، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

### جایگاه نورهای رنگی در فضای رنگی شهری

نورهای رنگی را می‌توان در شهرهای مدرن به وفور مشاهده نمود. چراغ‌های خیابان، تابلوهای



تصویر ۸. تاثیر رنگ‌های نمادین معماری در نماهای جدید، استفاده از فرم‌ها و رنگ‌های نمادین ایرانی (آبی و فیروزه‌ای) در رنگ و فرم نماها، تهران، میدان انقلاب، ۱۳۹۱مخز: نگارنده.

تبلیغاتی (لایت باکس‌ها)، علائم، آگهی‌ها و ساختمان‌ها بخصوص در شب که قابلیت‌های بیشتری را نمایان می‌سازند، همگی جزئی از نور شهر هستند. گرچه، بی‌نظمی‌های بصری که توسط این گونه نورپردازی‌های خاص در شب به وجود می‌آیند، متحرک و جالب هستند؛ اما می‌تواند نظم محیط را بعد از تاریکی به هم بزنند و باعث اغتشاش محیط در نور روز شوند (میجر و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۷). بنابراین، استفاده از تأثیرات نمایشی نورهای رنگی در شرایط مختلف می‌تواند شرایط متفاوتی در منظر شهری پدید آورد و حتی ممکن است توجه مخاطب را از شرایط حقیقی منظر و بالاخص رنگ آن منحرف سازد (بل، ۱۳۸۷: ۱۰۳). همچنین، تغییرات

روزانه از سپیده دم تا ظهر و غروب و شب، با نورهای مختلفی توأم‌اند. این تغییر و تنوع نورهای طبیعی، تغییرات رنگی متفاوتی به وجود می‌آورد که بسته به نوع نور، شدت نور، زاویه تابش نور و محیط تابش نور گوناگون و دارای انعکاس‌های رنگی و نوری متنوعی هستند.

### نتیجه

رنگ در اجزا شهر تابع نوع عناصر و رنگ زمینه شهری است. تغییرات رنگی در فضای شهر بیشترین نمود خود را در عناصر قابل مشاهده‌ای چون جداره‌ها و عناصر اصلی شهری دارد. امروزه تغییر کیفی رنگ در سیمای شهر بسته به رنگ مصالح متغیر است و با توجه به تنوع فرهنگی شهرهای بزرگ شاهد عدم انضباط شهری در رنگ مصالح موجود در یک منطقه و در نتیجه اغتشاش رنگی در سیمای شهرها هستیم.

رنگ یکی از جنبه‌های اصلی زندگی شهری است که به طور طبیعی و مصنوعی در محیط وجود دارد؛ اما تغییرات کمی و کیفی رنگ در محیط شهری به عوامل اقلیمی و جغرافیایی و فرهنگ ساکنان آن بستگی دارد. عوامل دیگری چون تنوع مواد و مصالح، تنوع‌های جمعیتی و هویتی بسته به عامل جغرافیا و فرهنگ ساکنان شهری متفاوت است.

علاوه بر این، به علت توسعه ارتباطات و رشد حمل و نقل و مهاجرت، شکل و رنگ شهرها هویت خود را که مربوط به اقلیم، رنگ و بافت مصالح منطقه است از دست داده‌اند؛ بنابراین، توجه به عامل هویت در کنار دیگر عوامل چون نوع کاربری منطقه، نوع جامعه، فرهنگ و نوع فرم محیط در طراحی زیبایی‌شناسانه رنگ و در پالت رنگی شهر از عوامل مهم است. از سوی دیگر، با توجه به عامل جغرافیا و محیط و نقش عوامل اقلیمی در رنگ شهر، رنگ و فرم پوشش گیاهی یا فضای سبز شهری یکی از عوامل هویتی هر شهر است. با توجه به جنبه‌های روان‌شناختی و زیبایی‌شناسی رنگ، هدایت و طراحی فضاسازی رنگی با این عنصر متغیر شهری، می‌تواند فضای رنگی متنوع و طبیعی در شهرها ایجاد کند که بسته به نوع اقلیم و جغرافیای هر شهر و با آب و هوای همان شهر و یا منطقه تعریف شود. بدین ترتیب به‌منظور دستیابی به فضای رنگی متناسب



با هویت هر شهر، باید علاوه بر استفاده از مصالح بومی هماهنگ، رنگ پوشش گیاهی در منطقه، مورد مطالعه قرار گیرد تا طراحی فضای شهری نیز با توجه به فضای رنگی پوشش گیاهی و تنوع رنگی در آن صورت گیرد.

در نهایت به نظر می رسد، به علت چند فرهنگی شدن شهرها و مهاجرت های گسترده به کلانشهرها، توجه به عامل هویت در تعیین رنگ شهر و حفظ تاریخچه هر شهر، بیش از پیش ضروری به نظر می رسد. چنان که فضای رنگی در شهرهای امروز عموماً بدون طرحی از پیش تعیین شده در نما، مبلمان، تابلوهای تبلیغاتی و نورهای رنگی صورت می گیرد که منجر به فضای رنگی مغشوش و بی هویت در شهرها می شود. بنابراین تدوین، قوانین مصوب در مورد رنگ و نوع مصالح در هر شهر، بسته به شرایط آب و هوایی و اقلیمی آن شهر ضروری است. لذا بنظر می رسد علاوه بر مطالعه ویژگی های هویت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی هر شهر و منطقه باید شاخصه های زیباشناختی آنها در پالت رنگی منظر آن شهر و منطقه در نظر گرفته شود، تا از اغتشاش رنگی و ناهنجاری های بصری در شهرها جلوگیری شود.

### پی نوشت

۱- دیوار سبز.

۲- نمای سبز.

۳- «نقاشی دیواری معاصر با مواد، مصالح، بسترها و ظاهری از دیوار و معماری روبرو است که نسبت به گذشته، شکل و کارکردی بسیار متفاوت دارد. این بدان معنی است که مهم ترین راه هماهنگی و پیوستگی نقاشی دیواری با ساختار زیباشناسانه معماری معاصر، بهره جویی از تکنولوژی و مواد و مصالح جدید است و جز در شرایطی خاص، به کارگیری مواد و مصالح سنتی نقاشی دیواری کاری غیر اصولی و بی فایده خواهد بود» (کفشچیان مقدم، ۱۳۸۷: ۵۰).

۴- جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله «چگونه یک نقاشی دیواری را ساماندهی کنیم» (اصغر کفشچیان مقدم).

۵- جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله «ویژگی های نقاشی دیواری» (اصغر کفشچیان مقدم).

۶- مقصود از رنگ آمیزی واحد مبلمان شهری، هماهنگی رنگ در اجزاء مبلمان با کلیت محیط شهر است که در نهایت به هماهنگی رنگی در فضای شهری می انجامد. همچنین، عامل دیگر در گزینش رنگ، کاربرد شیء رنگ شده است. در کنار رنگ عناصر، خود فضا نیز قابلیت های بالایی برای ترکیب های رنگی دارند. شرایط فرهنگی و بافتی هر منطقه در تعیین نوع و جنس رنگ تعیین کننده است. نحوه استفاده از مکان، مدت نشستن، زمان پیاده روی، نوع تفریحات مردم، و گذران اوقات فراغت در شهرهای مختلف کاملاً متفاوت است و این تفاوت فرهنگی و رفتاری مبلمان شهری خاص همان منطقه را می طلبد.

۷- Stevenson, Debora.

۸- مراجعه شود به کتاب تأثیر متقابل رنگها (صفحه ۱۷۹) و کتاب رنگ اینتن (صفحه ۲۱).

۹- آزمایشاتی که در بیشتر کتاب های رنگ شناسی عنوان می شود، یکی مربوط به استبل مسابقات اسپ دوانی است که با دو رنگ آبی و قرمز رنگ آمیزی شده و هر کدام تأثیر روانی متفاوتی روی اسبها گذاشته است و دیگری مربوط به میهمانی شام می @شود که با تابیده شدن نورهای رنگی روی غذاهای مختلف، رنگ های غذاها متفاوت نشان داده شده اند. ۱۰- نمونه موردی آن را می توان در روستایی چون ماسوله، با در و پنجره های آبی و دیوارهای قرمز در نمای ساختمان های ایبانه مشاهده نمود. در این دو مورد به خوبی می توان تأثیر شرایط اقلیمی، رنگ مصالح و باورهای مردم را در فضای رنگی محیط مشاهده نمود.

۱۱- Grutter, Jorg Kurt. Asthetik der architektur.

۱۲- آزمایشاتی که کورت گروتز از آنها صحبت می کند مربوط به گروه های انسانی می شود که در موقعیت های مشابه و متفاوت دست به انتخاب های رنگی متفاوتی زده اند. به عنوان مثال ثابت شده برای افراد باشاش و برون گرا رنگ بیشتر از فرم اهمیت دارد.

## منابع

- استیونسون، دبور (۱۳۸۸)، شهرها و فرهنگ‌های شهری، مترجمان: رجب پناهی، احمد پور احمد، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران Stevenson. Debora.
- ایتن، یوهانس (۱۳۸۰)، هنر رنگ، ترجمه عربعلی شروه، انتشارات یساولی، تهران.
- بحرینی، حسین (۱۳۷۷)، فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- بختیاری فرد، حمیدرضا (۱۳۸۸)، رنگ و ارتباطات، انتشارات فخر کیا، تهران.
- بل، سایمون (۱۹۵۷)، عناصر طراحی بصری در منظر، ترجمه: دکتر محمد رضا مثنوی (۱۳۸۷)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۷)، هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)، انتشارات نشر شهر، تهران.
- بوزیه، لوکور (۱۳۸۸)، منشور آتن (چهارمین کنگره بین‌المللی معماری مدرن)، ترجمه: محمد منصور فلامکی، انتشارات فضا، تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶)، مقالاتی در باب طراحی شهری، انتشارات شهیدی، تهران.
- توسلی، محمود، ناصر بنیادی (۱۳۸۶)، طراحی فضای شهری، فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، انتشارات شهیدی، تهران.
- رهنمائی، محمد تقی (۱۳۶۹)، مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی، جغرافیا، انتشارات: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- سید صدر، سید ابوالقاسم (۱۳۸۴)، معماری، رنگ، انسان، انتشارات آثار اندیشه، تهران.
- سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۹)، فرهنگ شهرسازی، انتشارات آبیژ، تهران.
- کلانتری، حسین، پیام انصافیان (۱۳۹۰)، مبلمان شهری، نگرشی نو بر تجهیز فضاهای شهری توسط مبلمان شهری، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
- کارمونا، متیو، تیم هیت، تتراک، استیون تیسدل (۱۹۶۶)، مکان‌های عمومی فضاهای شهری (ابعاد گوناگون طراحی شهری)، مترجمان: فریبا قرائی، مهشید شکوهی، زهرا اهری، اسماعیل صالحی (۱۳۸۸) انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
- کار کیا، فرزانه (۱۳۷۵)، رنگ: نوآوری بهره‌وری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- کورت گروتز، یورگ (۱۳۸۹)، زیبایی شناسی در معماری، ترجمه: مجتبی دولتخواه، سلمان همتی، انتشارات دولت‌مند، تهران.
- لینچ، کوین (۱۳۷۲)، سیمای شهر، ترجمه: منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- محمودی، کوروش. امیر شکیبامنش (۱۳۸۴)، اصول و مبانی رنگ شناسی در معماری و شهرسازی، انتشارات هله، تهران.
- مدنی پور، علی (۱۳۸۴)، طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرآیند اجتماعی-مکانی)، ترجمه: فرهاد مرتضایی انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- میجر، مارک. جاناتان اسپایر، آنتونی تیسهازر (۱۳۸۹)، هنر نور و معماری (ساخته نور)، ترجمه: فرشید حسینی، انتشارات مهرآزان، تهران.

## مقالات

- صباغ الوانی، علی اصغر (۱۳۹۰) رنگ در منظر شهری، جلد ۵، رنگ، فرهنگ و شهر، مجری طرح: دانشگاه صنعتی امیر کبیر. کارشناسان طرح: حسن سامعی، رضا سلیمی، فضا غلامرضا کاشی، ناظر عالی: معاونت برنامه ریزی و توسعه، دکتر جمال کامیاب، ناظر داخلی: مدیریت مطالعات و آموزش: دکتر فریبرز سجادی. سازمان زیباسازی شهر تهران.
- صباغ الوانی، علی اصغر (۱۳۹۰) رنگ در منظر شهری، ابعاد جامعه شناختی رنگ‌ها، دانش زیبایی شناسی شهری، مجری طرح: دانشگاه صنعتی امیرکبیر. کارشناسان طرح: حسن سامعی، رضا سلیمی، فضا غلامرضا کاشی، ناظر عالی: معاونت برنامه ریزی و توسعه، دکتر جمال کامیاب، ناظر داخلی: مدیریت مطالعات و آموزش: دکتر فریبرز سجادی. سازمان زیباسازی شهر تهران.
- رئیسی، صدیقه. نیلوفر نیکقدم (۱۳۸۹) تاثیر روانی طیف‌های رنگی ایجاد شده توسط رنگ خودروها در معابر شهری (نمونه موردی: مرکز شهر تهران) نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴۱، صفحات ۶۷-۷۸.
- کفشچیان مقدم، اصغر، (۱۳۸۷) مواد و مصالح جدید در نقاشی دیواری معاصر، کتاب ماه هنر، صفحات ۵۰-۵۸.
- مرادی، سلمان (۱۳۸۶) هنر عمومی و تلفیق آن با فضای شهری، نشریه باغ نظر، شماره ۸، صفحات ۸۱-۹۰.